



بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين إله خير ناصر ومعين الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وعلي وآلهما الطيبين الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين أبد الآبدين

کلام وحی و خازنان وحی در فضیلت عید کبیر

خلاصه:

امروز که ۹ ربیع الأول ۱۴۲۷ است این کلام شریف را در فضیلت این روز برای شما نقل می کنم، که:

در این روز (۹ ربیع الأول) شیعیان قم به خدمت احمد بن اسحاق قمی صاحب سرّ امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام رفتند و او این روز را عید گرفته بود، و برای ایشان نقل کرد که:

او و جمعی از شیعیان در این روز (۹ ربیع الأول) خدمت امام هادی علیه السلام رسیدند؛ و حضرتش این روز را عید گرفته بودند، و حضرت امام هادی علیه السلام از پدرشان حضرت امام جواد علیه السلام نقل کردند، که:

حذیفه یمانی در این روز (۹ ربیع الأول) خدمت رسول خدا و اهل بیت او علیهم السلام رسید، و دیده که حضرت و خاندانشان عید گرفته بودند، و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای او فضیلت این روز را از کلام حق تعالی بیان فرمود.

و نیز حذیفه در این روز (۹ ربیع الأول) وقتی که طاغوت هلاک شد؛ خدمت حضرت مولا علی علیه السلام برای عرض تبریک رسید، و حضرتش برخی دیگر از اهمیت این روز عید را برایش بیان فرمودند.

نوصیه: شما دریافت کنندگان این کلام شریف نیز اگر بتوانید آنرا برای یکدیگر (فردی یا جمعی) بیان کنید، فیض برده اید.

معرفت روز ۹ ربیع الأول

جناب سیّد بن طاووس در کتاب إقبال الأعمال از جناب شیخ صدوق رحمة الله علیهما به سند خود از حضرت امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمودند: هلاک طاغوت در ۹ ربیع الأول بوده است.

علامه نوری در مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۱۵۵ و شیخ کفعمی نیز در کتاب مصباح ص ۲۷۰ گفته اند که: صاحب کتاب مسار الشیعة (شیخ مفید) روایت کرده است که هر که در روز نهم ماه ربیع الأول چیزی انفاق کند حق تعالی کَنَاهان او را بپامرزد.

مرحوم علامه مجلسی در بحار الأنوار ج ۲۰ ص ۳۲۲ گفته است: سزاوار است تعظیم روز ۹ ربیع الأول و اظهار سرور و شادی در آن.

شیخ الفقهاء الأواخر صاحب جواهر مرحوم شیخ محمد حسن نجفی، در کتاب فقهی جواهر الکلام، سخن از فضیلت این روز و عید بودن آن و استحباب غسل در آن گفته است.

مستحب است در این روز اطعام برادران مؤمن و خوشبو کردن ایشان و توسعه دادن بر عیال خود و دیگران و پوشیدن جامه های نو و شکر و عبادت حق تعالی و این روز برطرف شدن غمها است و روز روزه داشتن نیست.

کلام مقدس در فضیلت عید کبیر آل محمد

در معرفت این روز کلامی را از خازنان وحی علیه السلام نقل شده است، این کلام مقدس را بسیاری از بزرگان اصحاب ائمه علیهم السلام و بسیاری از علمای اهل حق همچون شیخ طبری (از علمای شیعه قرن چهارم هجری) در کتاب دلائل الإمامه، و شیخ هاشم بن محمد (از علمای شیعه قرن ششم هجری) در کتاب مصباح الأنوار، و فرزند مرحوم سید بن طاووس رحمه الله علیهما در کتاب "زوائد الفوائد"، و مرحوم شیخ عز الدین حسن بن سلیمان حلّی صاحب کتاب: المحتضر فی إثبات حضور النبی و الأئمة عند المحتضر (از علمای شیعه قرن هشتم هجری)، و شیخ کفعمی در کتاب مصباح، و سید نعمت الله جزائری در کتاب الأنوار النعمانیة، نقل نموده اند.

اسناد کلام:

شیخ طبری از سید ابو البرکات یحیی بن محمد جرجانی هبة الله قمی، از احمد بن اسحاق بن محمد بغدادی از فقیه حسن بن حسن سامری از محمد بن ابی العلاء همدانی و یحیی بن محمد جریح بغدادی.

نقل شیخ کفعمی: خبر داد ابو محمد حسن بن محمد قمی در کوفه این کلام را، از ابوبکر محمد بن جعدویه قزوینی که از مشلیخ صالحین و زاهدین بوده در سال ۳۴۱ در راه سفر حج، از محمد بن علی قزوینی از حسن بن حسن خالیدی در مشهد الرضا علیه السلام از محمد بن ابی العلاء همدانی و یحیی بن محمد جریح بغدادی.

نقل شیخ عز الدین حسن بن سلیمان حلّی از شیخ فاضل فقیه علی بن مظاهر واسطی با اسناد متصل از محمد بن ابی العلاء همدانی و یحیی بن محمد جریح بغدادی.

متن کلام:

روایت کرده اند محمد بن ابی العلاء همدانی و یحیی بن محمد جریح بغدادی که:

روزی ما بحث و اختلاف کردیم درباره سرانجام ابو الخطاب محمد بن اُبی زینب کوفی (= که از اصحاب سرّ حضرت امام صادق علیه السلام بوده، و بعد از مکشوف شدن امر او و یارانش، و کشته شدن آنها بدست بنی العباس، از سوی امام علیه السلام برای حفظ شیعه از این ماجرا؛ حکم جدائی او رسید) و مشتبه شد بر ما امر او، پس رفتیم به شهر قم به نزد احمد بن اسحاق قمی، که از خواص اصحاب امام علی النقی (علیه السلام) و امام حسن عسکری (علیه السلام) بود و به خدمت حضرت صاحب الامر (علیه السلام) نیز رسیده بود، چون در را کوبیدیم دخترکی عراقی از خانه اش بیرون آمد؛ و احوال احمد را از او پرسیدیم، گفت: او مشغول به عید خود و به خانواده خود است؛ چون امروز عید است، (و آن روز نهم ماه ربیع الأول بود).

گفتیم: سبحان الله! عیدها که همان عیدهای شیعیان است، و این عیدها نزد شیعیان چهار عید است: عید فطر و عید قربان و عید غدیر و روز جمعه!

آن دخترک گفت: احمد بن اسحاق از آقا و سرور خود حضرت امام علی النقی (علیه السلام) روایت می کند که امروز روز عید است، و بهترین عیدها نزد اهل بیت علیهم السلام و دوستان ایشان است.

ما گفتیم: پس تو برای ما رخصت بطلب تا به نزد او آییم، و به او خبر ده که اینجا هستیم، چون آن دخترک او را خبر کرد به اینکه ما آمده ایم.

پس او بیرون آمد به سوی ما؛ درحالی که ازاری پوشیده بود و عبایی در بر خود گرفته (× پیچیده) بود، و بوی مشک از او ساطع بود و دست به صورت خود می کشید، ما به او انکار کردیم که: این چه حالت است که در تو مشاهده می کنیم؟

گفت: ناراحت نباشید، حالا از غسل روز عید فارغ شده ام، گفتیم: مگر امروز روز عید است؟! گفت: بلی، و آن روز نهم ماه ربیع الأول بود. سپس راویان گفتند: که او همه ما را به داخل خانه خود برد و ما را بر روی تخت خودش نشانید. پس گفت: روزی با جمعی از برادران خود به نزد مولای خود حضرت امام هادی علیه السلام در سُرَّ مَنْ رَأَى رفتیم، همانطور که شما پیش من آمدید، پس وارد شدیم بر آن حضرت (صلوات الله علیه) در مثل این روز که شما به نزد من آمده اید، و آن روز هم نهم ماه ربیع الاول بود، چون رخصت یافتیم و به خدمت آن حضرت رسیدیم، آقایان علیهم السلام را دیدیم که هر يك از غلامان و خدمتکاران خود را واداشته بود؛ که آنچه توانند از جامه های فاخر پوشیده و مجلس خود را آراسته و مجمره ای در پیش خود گذاشته و به دست مبارك خود عود سوزانده و در مجمره می اندازد. گفتیم: یا بن رسول الله، پدران و مادران ما فدای شما باد، آیا از برای اهل بیت علیهم السلام در امروز شادی تازه ای روی داده است؟

کلام حضرت امام هادی علیه السلام

پس حضرت علیه السلام فرمود: و کدام روز حرمتش نزد اهل بیت عظیم تر است از این روز (= نهم ربیع الاول)؟ بدرستی که خبر داد مرا پدرم؛ که حدیقه بن یمان در مانند این روز که روز نهم از ماه ربیع الاول بود؛ داخل شد بر جدّم حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، حدیقه گفت: پس دیدم آقایم حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دو فرزندش حضرت امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را که با حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله طعام تناول می نمودند، و آن حضرت بر روی ایشان تبسم می نمود، و به امام حسن و امام حسین علیهما السلام می فرمود:

کلام حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله

بخورید، گوارا باد از برای شما، به برکت این روز، بدرستی که این روز، روزی است که حق تعالی هلاک می کند در این روز دشمن خودش و دشمن جد شما را، و مستجاب می گرداند در این روز دعای مادر شما را، بخورید، که این روزی است که حق تعالی در این روز قبول می کند اعمال شیعیان و محبان شما را، بخورید، که این روزی است که ظاهر می شود راستی فرمایش خداوند که می فرماید: "تلك بيوتهم خاوية بما ظلموا" (= سوره نمل آیه ۵۲ یعنی: این است خانه های ایشان که ویران و متروکه گردیده به سبب ستمهای ایشان)، بخورید، که این روزی است که شکسته می شود در آن شوکت دشمن جد شما، بخورید، که این روزی است که در این روز نیست می شود فرعون (= زمان) اهل بیت و ستم کننده بر ایشان و غصب کننده حق ایشان، بخورید

که این روزی است که خداوند کارهای دشمنان شما را باطل و متلاشی می کند (= هباء منثورا).

حذیفه گفت که من گفتم: یا رسول الله! آیا در میان امت شما کسی خواهد بود که این حرمتها را هتک نماید؟

حضرت رسول الله ﷺ فرمود: بلی، ای حذیفه! بُتی از منافقان بر ایشان سر کرده خواهد شد، و ریاکاری در میان امت من بکار می گیرد، و مردم را به سوی خود دعوت خواهد نمود، و تازیانه ظلم و آبروریزی مردم را بر دوش خواهد گرفت، و مردم را از راه خدا منع خواهد کرد، و کتاب خدا را تحریف خواهد نمود، و سنت مرا تغییر خواهد داد، و میراث فرزندان مرا متصرف خواهد شد، و خود را پیشوای مردم خواهد خواند، و سرکشی بر من و امام خود بعد از من خواهد کرد، و اموال خدا را به ناحق بر خود حلال شمرده، و در غیر طاعت خدا صرف خواهد کرد، و مرا و برادر و وزیر من علی را تکذیب کرده و به دروغ نسبت خواهد داد، و دختر مرا از حق خود محروم گردانید، پس دختر من او را نفرین خواهد کرد، و حق تعالی خواهش او را در (مثل) این روز مستجاب خواهد گردانید.

حذیفه گفت: پس، گفتم: یا رسول الله! چرا خدا را نمی خوانی و نفرین بر او نمی کنی تا حق تعالی او را در حیات شما هلاک گرداند؟

حضرت فرمود: ای حذیفه! دوست نمی دارم که جرأت کنم بر قضای خدا، و از او طلب کنم تغییر امری را که در علم او گذشته است، ولیکن از حق تعالی سؤال کردم که: آن روزی که در آن او هلاک می شود را بر سایر روزها فضیلت دهد، تا آنکه احترام آن روز در میان دوستان من و دوستان و شیعیان اهل بیت من؛ سنتی گردد که آنان این سنت را برقرار کنند، پس حق تعالی وحی کرد به سوی من:

کلام حق تعالی

ای محمد! در علم سابق من گذشته است که: فرا گیرد تو را و اهل بیت تو را؛ محنتهای دنیا و بلاهای دنیا و ستمهای منافقان و غاصبان از بندگان من، آنانکه تو خیر خواهی آنها کردی ولی آنها به تو خیانت کردند، و تو با آنها خلوص ورزیدی ولی آنها غش ورزیدند، و تو با آنها صاف بودی و آنها دشمنی تو را به دل گرفتند، و تو آنها را خوشنود گردانیدی و راست کفّی با آنها ولی آنها تو را تکذیب کردند، و تو آنها را نجات دادی ولی آنها تو را در بلیه گذاشتند، و سوگند یاد می کنم به حول و قوه و سلطنت خودم که؛ البته بگشایم هزار در از آتش را از پست ترین (طبقه های جهنم) فیلوق به روح کسی که غصب کند بعد از تو حق علی را، و او (= غاصب) را و اصحاب او را در قعر جهنم جای دهم، آن جائی که ابلیس از جای خود (که بهتر از اوست) بر او مشرف شده و او را لعنت کند، و در قیامت آن منافق را برای فرعونهای (زمان) پیامبران و برای دشمنان دین؛ عبرتی گردانم، و محشور کنم آنها را و دوستانشان و همه ظالمان و منافقان را به آتش جهنم، با دیده های کبود و رویهای ترش (= درهم کشیده)، با نهایت مذلت و خواری و پشیمانی، و ایشان را به طور همیشگی و ابد الابد در عذاب خود بدارم.

ای محمد! همراه نمی گردد وصی تو در منزلت تو، مگر به سبب آنچه می رسد به او از بلاها؛ از فرعون (= زمان) او و غصب کننده حق او، که تجرّی می ورزد بر من و به من افترا و قهمت می زند، و کلام مرا تبدیل می کند، و شرک به من می ورزد، و مردم را از راه من باز می دارد، و از طرف خودش گوساله ای (= سامری) از برای امت تو نصب می کند، و کافر می شود به من در عرش و عظمت و جلال من، بدرستی که من امر کرده ام ملائکه ام را در هفت آسمان؛ که بخاطر شیعیان و محبان شما

عید بگیرند، در این روزی که آن ملعون را هلاک می‌کنم، و امر کرده ام ایشان (= ملائکه) را که کرسی کرامت مرا در برابر بیت المعمور نصب کنند، و مرا ثنا بگویند، و برای شیعیان و محبان شما از فرزندان آدم؛ طلب آمرزش نمایند. و به خاطر کرامیداشت تو و وصی تو؛ کرام الکاتبین (= ملائکه نویسندگان اعمال) را امر کرده ام؛ که از این روز تا سه روز، قلم از (نوشتن عمل) همه خلاق بردارند، و چیزی از گناهان ایشان را ننویسند.

ای محمد! من این روز را برای تو و اهل بیت تو و برای کسانی که پیرو ایشان باشد از مؤمنان و شیعیان ایشان، عید قرار دادم. و سوگند یاد می‌کنم به عزت و جلال و علو و منزلت و جایگاه خود؛ که: عطا کنم کسی را که عید بگیرد این روز را از برای من، ثواب آن ملایکه ای که دور عرش احاطه کرده اند، و شفیع قرار دهم او را در حق خویشان و ارحام او، و اگر وسعت دهد در این روز بر خود و عیال خود؛ مال او را زیاد کنم، و هر سال در این روز؛ هزاران نفر از موالیان و شیعیان شما را از آتش جهنم آزاد گردانم، و اعمال ایشان را قبول کنم، و تلاش و سعی ایشان را گرامی داشته شده قرار دهم، و گناهان ایشان را بیامرزم.

حذیفه گفت: سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از جا برخاست و به خانه ام سلمه رفت، و من برگشتم در حالی که هیچ گونه شکي نداشتم در امر (واقعیت و حقیقت حال) آن پیرمرد (= طاغوت).

وقوع جنایات بعد از رسول الله ﷺ

تا آنکه بعد از وفات رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دیدم که چگونه او ریاست طلبی کرد و شرارت نمود، و کفر را بازگرداند، و از دین مرتد شد، و دامن بی حیائی و وقاحت را برای غصب امامت و خلافت بالا زد، و قرآن را تحریف کرد، و آتش در خانه وحی و رسالت زد، و بدعتهایی را سنت قرار داد، و ملت و آئین پیغمبر را تغییر داد، و سنت آن حضرت را عوض کرد، و کواهی حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) را رد کرد، و فاطمه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را به دروغ نسبت داد، و فدک را غصب کرد، و یهود و نصاری و مجوس را از خود راضی نمود، و نور دیده مصطفی را به خشم آورده و تحصیل رضایت او نکرد، و جمیع سنتهای رسول خدا را از بین برد، و توطئه در کشتن امیر المؤمنین (علیه السلام) را نمود، و جور و ستم را در میان مردم آشکارا کرد، و آنچه خدا حلال کرده بود حرام کرد، و آنچه خدا حرام کرده بود حلال کرد، و حکم به مردم نمود که: از پوست شتر درهم و دینار بسازند و خرج کنند، و سیلی به صورت حضرت زکیه (فاطمه زهرا علیها السلام) زد، و در (خانه) بر رو و شکم فاطمه زهرا زد، و به غصب و جور بر منبر حضرت رسالت ﷺ بالا رفت، و بر حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) افترا بست، و با آن حضرت دشمنی و معارضه کرد، و رأی آن حضرت را به سفاهت نسبت داد.

هلاک طاغوت

حذیفه گفت: پس خداوند تعالی دعای بانو و مولای مرا در حق آن منافق مستجاب گردانید، و قتل او را بر دست کشنده اش (رحمة الله علیه) جاری ساخت.

پس رفتم به خدمت حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) که آن حضرت را تهنیت و مبارکباد بگویم؛ به خاطر آنکه آن منافق کشته شد و به عذاب و انتقام حق تعالی واصل شد،

چون حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرا دید، فرمود: ای حذیفه! آیا در خاطر داری آن روزی را که آمدی به نزد سید من رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و من و دو سبط او؛ حسن و حسین نزد او نشسته بودیم؛ و با او غذا می خوردیم، پس تو را راهنمایی و آگاه کردند بر فضیلت این روز که تو داخل شده بودی در آنروز بر ایشان؟ گفتم: بلی، ای برادر رسول خدا! حضرت فرمود: به خدا سوگند که امروز (همان) روزی است که خدای تعالی در آن چشم آل رسول علیهم السلام را روشن گردانید، و من برای این روز؛ هفتاد و دو نام می شناسم.

حذیفه گفت کفتم: یا امیر المؤمنین! دوست دارم که این نامها این روز را به من بشنوائی (= برایم بگویی تا از شما بشنوم)، و آن روز نهم از ماه ربیع الاول بود.

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: ای حذیفه! این روز، روز استراحت است (= مؤمنان از شر آن منافق استراحت یافتند)، و روز زائل شدن کرب و غم است، و روز غدیر دوم است (× و روز عید دوم است)، و روز ریزش گناهان است، و روز کزینش و خیرخواهی است، و روز برداشتن قلم از نوشتن اعمال است، و روز هدایت است، و روز عافیت است، و روز برکت است، و روز خونخواهی هاست، و روز عید بزرگ خدا است، و روز مستجاب شدن دعاها است، و روز موضع کبری بزرگ (= دوری جستن و پرهیز کردن از دشمنان) است، و روز وفای به عهد، و روز شرط است، و روز کندن (= از تن بیرون آوردن) جامه سیاه است، و روز ندامت و پشیمانی ظالم است، و روز شکسته شدن شوکت (مخالفان) است، و روز دور کردن نگرانیهاست، و روز خواستن است، و روز نمایش شکوه (= اهل حق) است، و روز قدرتمائی (= اهل حق) است، و روز پوشانیدن (= عیوب) است، و روز گذشت از یگدیگر است، و روز فرح و خشنودی شیعیان است، و روز توبه است، و روز انابت و بازگشت به سوی خداست، و روز زکات اعظم است، و روز فطر دوم است، و روز سیل النغاب است (= تعبیری در زبان است که در وقت هلاک یا آسیب دیدن دشمن گفته می شود، و به معنای آب خوش از کلو پایین رفتن است) و روز تجرع سویق است، (= تجرع یعنی جرعه جرعه نوشیدن، و سویق شیرینی مایعی است که از آرد درست می شود، اشاره به پذیرایی در این روز می باشد) و روز رضا و خشنودی است، و روز عید اهل بیت علیهم السلام است، و روز پیروز شدن بنی اسرائیل بر فرعون است، و روزی است که خداوند اعمال شیعیان را قبول می فرماید، و روز پیشکش کردن صدقات است، و روز خواستن دیدار (= از اهل حق) است، و روز کشته شدن منافق است، و روز وقت معلوم است (= که در قرآن کریم راجع به مهلت ابلیس اشاره به آن شده است)، و روز شادمانی اهل بیت علیهم السلام است، و روز مشهود است (= که در قرآن کریم یاد شده است)، و روزی است که ظالم انگشت حسرت و ندامت به دندان می گزد (= یوم بعض الظالم علی یدیه، که در قرآن کریم یاد شده است)، و روز سرکوب کردن دشمن است، و روز ویران شدن (= بنیان) ضلالت است، و روز تنبیه (= تذکر) است، و روز تصریف است (= یعنی منع از نوشیدن؛ که با این واقعه دشمن از نوشیدن باز می ماند)، و روز شرف است، و روز گواهی (= بر حقانیت وعده الهی) است، و روز درگذشتن از گناه مؤمنان است، و روز شکوفه (= شکفتگی بوستان اهل حق) است، و روز زوال کامیابی دشمن حق است، و روز پاکیزه داشته شده است، و روز برطرف شدن سلطه آن منافق است، و روز محکم نمودن (= حق) است، و روزی است که در آن مؤمن راحت و آسوده می شود، و روز مباحله است، و روز مفلحره (= به خود بالیدن اهل حق) است، و روز پذیرش اعمال است، و روز تبجیل و تعظیم (حق) است، و روز نخله (= بخشش و عطا) است، و روز از بین بردن تلخی است، و روز یاری مظلوم است، و روز زیارت است، و روز شرف است، و روز پرهیز

و اجتناب است، و روز رسیدن و وصال است، روز زکّیّه (= حضرت زهرا علیها السلام) است، و روز برطرف شدن بدعتها است، و روز فاش کردن رازهاست (= رازهای دینی که در غیر این وقت نمی شد اظهار کرد)، و روز بی رغبتی و جدایی از گناهان کبیره است، و روز ورع از محارم الهی است، و روز دیدار کردن از یکدیگر است، و روز موعظه و نصیحت است، و روز عبادت است، و روز پذیرش تسلیم (مولا) است، و روز سلم و رام حق بودن است، و روز نحر و قربانی کردن است، روز بقر و شکافته شدن (شکم طاغوت) است.

حذیفه گفت: پس، از خدمت امیر المومنین علیه السلام برخاستم، و با خودم گفتم که: اگر از کارهای خیر و آنچه امید ثواب از آن دارم؛ هیچ چیز را نیافته باشم؛ مگر فضیلت این روز؛ هر آینه همین آرزوی من است.

پس محمد بن العلاء همدانی و یحیی بن محمد بن جریح (راویان این حدیث) گفتند: (چون این حدیث را از احمد بن اسحاق بن سعید قمي شنیدیم)، و هر يك برخاستیم و سر او را بوسیدیم و گفتیم: حمد و شکر می کنیم خداوندی را که بر انگیخت ترا از برای ما، و جان ما را نگرفت؛ تا اینکه ما را مشرف گردانیدی به (دانستن) فضیلت این روز، پس از پیش او به خانه های خود برگشتیم و این روز را عید گرفتیم، پس بدرستی که این روز، عید شیعه است.

توضیح

صاحب کتاب زواید الفوائد که فرزند سید بن طاووس است گفته است که: این حدیث را از خط علی بن محمد بن طيّ (رحمه الله) نوشتم و در کتب دیگر که تتبع کردم چندین روایت دیگر موافق این یافتم پس اعتماد بر این روایات نمودم و سزاوار است شیعیان را که این روز را تعظیم نمایند و اظهار سرور و شادی در این روز نمایند»

[نقل مطالب از کتاب شریف: زاد المعاد، علامه مجلسی رحمه الله علیه]

والحمد لله ربّ العالمین